دریچه

ترازوی «سیاست داخلی»

سعید رضوی‌فقیه
عضو پیشین شورای مرکزی تحکیم وحدت

صدور برای یک دولت مدت‌زمان کمی نیست چراکه یک دوره مسوولیت رئیس‌جمهوری و اداره قوه‌مجریه مجموعه‌ای از همین صدورزدهاست. بنابراین شاید ارزیابی عملکرد دولت یازدهم در سه‌ماهونیم اخیر نتواند تصویری واقع‌بینانه و منصفانه از کامیابی‌ها و ناکامی‌هایش پیش چشم بگذارد.

با این‌همه امکان در ترازو نهادن عملکرد دولت آقای روحانی و سنجش دادگرایانه کارنامه این دولت طی همین صدور گذشته کاملا منتفی نیست به شرط اینکه نکات زیر به دقت و وسواس مورد توجه قرار گیرد.

اول اینکه حساب صدور نخست از حساب دیگر صدورزدها جداست چراکه این سه‌ماه و چند روز گذشته نقطه شروع فعالیت‌های دولت جدید است و علاوه بر دشواری‌های و پیچیدگی‌های تحویل‌گرفتن مسوولیت قوه‌مجریه و اخذ رای‌اعتماد برای کابینه، هنوز فاصله زیادی تا مشاهده نتایج و آثار فعالیت دولت موجود است و همچنان باید مدت زمانی بگذرد تا معلوم شود از بذری که متصدیان قوه مجریه در این صدورزه پاشیده‌اند چه خواهد رست. بالطبع در صدور پایانی دولت یازدهم با چشم بازتر و نیز با دست بازتر می‌توان به نقد و ارزیابی عادلانه و واقع‌بینانه دولت پرداخت چراکه پس از گذشت چهارسال به اندازه کافی تجربه‌های آزموده در اختیار ناظران و تحلیلگران برای سنجش و نقد موجود خواهد بود اما نباید از یاد برد که در همین صدور اخیر نیز اگر نمی‌توان رویش بذرهای نخستین را شاهد بود اما می‌توان در مورد نحوه بذرافشانی و کمیت و کیفیت آن سخن گفت و گواهی داد و به دور از شائبه‌گرایی، نوعی ارزیابی اولیه محتاطانه به دست آورد.

دوم اینکه دولت یازدهم وارث بسیاری از نابسامانی‌هاست که از دولت پیشین به یادگار مانده بی‌آنکه قصد داوری‌های جهت‌گیرانه در کار باشد و صرفا با اتکا به شواهد و اخبار خام می‌توان گفت دولت یازدهم در عرصه اقتصاد و فرهنگ و سیاست راه دشوار و بر پیچ‌وخمی پیش رو دارد تا به یک نقطه آغاز واقعی و به اصطلاح مدار صفردرجه برسد. بالطبع هرگونه قوری و ارزیابی عملکرد دولت در عرصه‌های مختلف باید با لحاظ این واقعیت باشد که بختی از نیرو و توان متصدیان قوه‌مجریه صرف حل‌وفصل معضلات به‌جا مانده از پیش است. اینکه یک دوئده در مدت‌زمان مشخص چه مسافتی را طی می‌کند کاملا بستگی دارد به شرایط مسیر و اینکه آیا در سربالایی سنگلاخ راه می‌پیماید یا در مسیری مسطح و هموار. اگر منصف و واقع‌بین باشیم باید در نظر بگیریم دولت یازدهم در سربالایی سنگلاخ راه می‌پیماید اما این نکته نباید به یک توجیه همیشگی بدل شود و کارنامه دولت صرفا بر اساس ارجاع به مشکلات ناشی از عملکرد دولت پیشین سنجیده شود. درواقع نقد عملکرد دولت پیشین ممکن است به ذهنی خودساخته بدل شود که اجزای دولت در آن گرفتار شوند و انگیزه لازم را برای ایجاد تحولات جدی از دست دهند.

نکته سوم اما عبارت از این است که با توجه به واقعیت‌های حقوقی و حقیقی که رویاروی دولت قرار دارد نمی‌توان انتظار داشت که دولت معجزه کند و همه مسایل و مشکلات کشور را اعم از آنها که وجود داشته یا بعدا به وجود آمده، یک‌شبه برطرف کند. بخشی از مطالبات مردمی با همراهی دستگاه قضایی و نهادهای عالی امنیتی تحقق می‌یابد و تحقق برخی مطالبات دیگر نیازمند همدلی قوه مقننه است یا دیگر نهادهای حکومت. بنابراین می‌توان گفت این کشتی چند سکان و چندین دکل دارد و تنها در صورتی که همه بادبان‌ها به سمت‌وسوی واحد افراشته شده باشند و همه سکاندران همدل و همراه باشند می‌توان انتظار پیشروی حداکثری در مسیرهای مشخص را داشت.

آراده محمدحسین

دیدگاه‌های حسن روحانی درباره سیاست داخلی: تاکید بر فراجناحی‌بودن و شایسته‌سالارمحوری کابینه، عدم‌تعهد دولت به احزاب و جناح‌های مختلف و وام‌دارنبودن به آنها، تثبیت جامعه به سمت رسانه‌های داخلی و خوش‌آمدگویی به نکتر و تنوع دیدگاه‌ها، دوری‌گزیدن از هرگونه خودسری؛ افراط و تفریط، برابری همه مردم در اجرای قانون و دادن فرصت‌ها، حرکت دولت آینده در چارچوب رای اکثریت، پاسداری حقوق همه افراد ملت، اعتدال و قانون‌محوری و امور و جلوگیری از نوعیش‌ها و تخریب‌هاست. حسن روحانی پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری وعده داده بود که مایل است دولت تدبیر و امید یادآورنده دولت سازندگی و اصلاحات باشد. اما در صدور اول دولت روحانی چه میزان از این وعده‌ها عملی شد یا حداقل گام‌هایی برای تحقق آنها در مدعای آتی برداشته شد.

برخی از کارشناسان معتقدند که نگاه دولت به مسایل سیاست خارجی و اقتصاد بوده است و مسایل سیاسی و فرهنگی در اولویت دوم قرار دارد. برخی دیگر اما می‌گویند که دولت درباره مسایل سیاسی و فرهنگی نگاهش تبلیغاتی نیست و تصمیم دارد با آرامش و بدون هیاهو مباحث را دنبال کند.

«شرق» درباره این موضوع و نیز نیم‌نگاهی به عملکرد صدروزه دولت روحانی با اشرف بروجردی معاون اجتماعی وزیر کشور دولت اصلاحات گفت‌وگو کرده است. شما هم بخوانید.

گفت‌وگو با اشرف بروجردی درباره بررسی برنامه‌های سیاسی روحانی

شعارهای انتخاباتی روحانی در سیاست داخلی، اجرایی شود

عکس: بهمنی حسینی، شرق

گفتید که یقین از دیگران برمی‌آمد، ظاهرا همه همت رییس‌دولت و تصویب هیاهنامه‌ها با کسب نظر کارشناسی رسمی دادگستری در رشته مربوطه به صورت مزایده عمومی انجام می‌شود. مدیرعامل سازمان تامین‌اجتماعی که مدیریت او بر سازمان تامین‌اجتماعی قانونی نبود، تفاهمنامه‌های بین سازمان و شرکت هلدینگ «سوریت قشم» با مدیرعاملی یک زنجانی منعقد کرد. گفتم ریاست سعید مرتضوی به سازمان تامین‌اجتماعی قانونی نبود زیرا در همین زمان دیوان عدالت اداری برابر رای متعدد، سعید مرتضوی را رییس سازمان تلقی نمی‌کرد اما دولت دهم اصرار بر این داشت که سعید مرتضوی در رأس سازمان باشد. مطابق تفاهمنامه‌ای که بین سازمان تامین‌اجتماعی و آقای یک زنجانی تنظیم شده بود یک زنجانی با پرداخت چهارمیلیارد‌ویرو، ۱۲۸ شرکت از ۲۰۸ شرکت متعلق به سازمان تامین‌اجتماعی را به مالکیت خود درمی‌آورد. برای روشن‌شدن موضوع در اینجا اساسی برخی از شرکت‌هایی که از چندرصد تا صدرصد سهام آنها متعلق به سازمان تامین‌اجتماعی بوده و برابر این تفاهمنامه غیرقانونی به یک زنجانی واگذار شده است را برمی‌شمارم.

مواردِ زیر بخشی از ۱۳۸ شرکت واگذارشده است و با این واگذاری، آقای زنجانی مالک اصلی و تصمیم‌گیر عمده بخش‌هایی شده است که همه امور اقتصادی مملکت را دربرمی‌گیرد: به تقسیم‌بندی زیر توجه کنید:

۱- بانک (صادرات - پاسارگاد - تات - پارسیان - دی)

۲- بیمه (ملت - میهن - دانا - پارسیان)

۳- آهن و فولاد (فولاد خوزستان - فولاد میارکاصفهان)

۴- مس (در بخش مس تنها صنایع مس شهیدباهنر کرمان را داریم که متعلق به آقای زنجانی شده است.)

۵- پتروشیمی (پتروشیمی غدیر - پتروشیمی تبریز)

۶- حمل‌ونقل دریایی (کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران - شرکت ملی‌نفتکش)

۷- همه هتل‌های تحت مالکیت شرکت هواپیمایی ایران (هما)

۸- چوب و کاغذ ایران (چوکا)

یک لحظه توجه کنید آقای زنجانی همه مقدرات، هوا، دریا، زمین، بانک، بیمه، پتروشیمی و نفت مملکت را تصاحب کرده است! همان‌طور که گفتم برابر ماده ۳۶ آیین‌نامه معاملاتی سازمان فروش اموال سازمان تامین‌اجتماعی، مزایده اموال باید طی تشریفاتی که همه‌بین آن، نظر کارشناس رسمی دادگستری است به بالاترین قیمت به فروش برسد، اما این معامله تاریخی در مالکیت خصوصی صورت گرفته و یک حواله ارزی از بانکی در مالزی که ظاهرا مالکیت آن بانک هم متعلق به یک زنجانی است به حساب فرض‌الحسنه ارزی سازمان تامین‌اجتماعی صادر شده است. اما همین حواله هم برابر گزارش تحقیق‌وتفحص و اقرار آقای زنجانی به لحاظ اینکه بانک آقای زنجانی در مالزی در فهرست جدید موسسات مورد تحریم آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفته، وجه مورندنظر، قابلیت انتقال بین‌المللی نداشته و ندارد و وصول نشده است. پس اصلی از آقای مرتضوی که زمانی دادستان تهران بود این است چگونه نفاهمنامه‌ای را امضا کرد که هنوز وجه آن به حساب سازمان تامین‌اجتماعی واریز نشده است؟ اگر این واگذاری‌ها را دیع، بدانیم دانشجوی سال اول دانشکده حقوق در تعریف بیع می‌خواند: «تملیک عین به عوض معلوم» و در معاملاتی از این دست که اگیر شرکت‌ها در سازمان بورس واارد شده‌اند باید مطابق با مقررات بورس، مورد خرید و فروش واقع شود. ظاهرا معامله حساب کامل رییس دولت سابق از آقای سعید مرتضوی حتی به قیمت استیضاح یکی از وزرایش روشن شد. به نقیل کسی غیر از سعید مرتضوی زیر بار امضای تفاهمنامه‌ای که در نوع تعریف بیع اصول مبایعه‌باشد عضو سازمان تامین‌اجتماعی بود، نمی‌رفت. واقعه شوم - قرارداد نرمکتیاجی - از نوع دخالی آن همین تفاهمنامه‌ای است که با آن همه اما و اگر امضا شد که تنها همکفران و سیه‌چاکان دولت اصولگرا به توافقنامه زنو نسبت می‌دهند. راسی این حامیان، چرا امروز در برابر ویرانه بغارشده از «معجزه هزاره» دم فروبسته‌اند؟

شعارهای انتخاباتی روحانی در سیاست داخلی، اجرایی شود

در نکته‌هایی که اشاره کردید به نظر می‌رسد در هر زمینه‌ای مانعی وجود دارد که کار خودش را انجام می‌دهد. فکر نمی‌کنید که دلیل تمامی این اتفاق‌ها این باشد که قدرت اجرایی پراکنده شده. شما این موضوع را قبول دارید که با توجه به این پراکندگی دولت چندان هم در تصمیم‌گیری‌ها مقصر نباشد؟

من این را از این زاویه قبول دارم که دولت قدر دارد تا آهسته‌آهسته جایگاه خودش را تقویت کند تا به تدریج به جایگاه‌های دیگر برسد. اما قانون به او اجازه می‌دهد که به راحتی از همه موانع عبور کند. برای نمونه در همین حوزه‌های فرهنگی اختلاف نظر وجود دارد در حالی که یک تصمیم درست می‌تواند رشدی را در آن ایجاد کند. مثال دیگر شورایعالی انقلاب فرهنگی است که حتما باید بازسازی شود و خانم‌هایی که در آنجا حضور دارند تعدادشان افزایش پیدا کند یا ترکیب‌شان عوض شود. اینها همگی موارد فرهنگی است که باید رویش کار شود. این بی‌تصمیمی‌ها منتج به این شده است تا احساس شود نوعی به‌هم‌ریختگی در شیوه کاری دولت وجود دارد در حالی که ممکن است اینگونه نباشد زیرا همه این افراد سابقه مدیریتی طولانی داشته‌اند. منتها اکنون شرایط خاص است و باید صبر کرد تا به شرایط بهتری برسیم.

فکر می‌کنید چرا افراطیون همچنان به دولت آقای روحانی فشار می‌آورند؟ به هر حال دولت آقای روحانی خیلی با دولت آقای خاتمی متفاوت است.

آنها می‌گویند آقای روحانی نماینده گفتار و افکار ماست. در حالی که گفتمان آقای روحانی گفتمان اصلاح‌طلبی بود و در برنامه‌هایی که ارایه دادند این موضوع به خوبی دیده می‌شود. افراطیون قصد دارند تا نتیجه انتخابات را مصادره به مطلوب کنند تا از این محمل جایگاه خود را به انبات برسانند ضمن اینکه از طرفی دیگر فرار از واژه اعتدال سوءاستفاده می‌کنند تا خواسته‌های خود را به سرانجام برسانند.

دیرباره مسایل حقوق شهروندی که رییس‌جمهور اخیرا به آن اشاره کرد: که تهیه شده است - هرچند به نظر می‌رسد مجموعه این منشور جکیده‌ای از قوانین موجود باشد اما به طور کلی - فکر می‌کنید در صورت تدوین نهایی، ضمانت اجرایی برای آن وجود دارد یا خیر؟

منشور حقوق شهروندی در دوران خاتمی تدوین و به مجلس ارایه شد ولی شورای نگهبان آن را رد کرد. بلافاصله توسط قوه قضاییه منشور دیگری تدوین شد که در مجلس هفتم تصویب و توسط شورای نگهبان هم تایید شد. اصلاح‌طلبان هم گفتند که عیبی ندارد، همین که حقوق شهروندی تدوین شود کار مثبتی است. اما در این دوره، اولا در این منشور هیچ تعریفی از حقوق شهروندی ارایه نشده است که این نقص بزرگ آن است. بعد هم به قول شما قوانین مدنی و اسلامی و جزا و مجازات اسلامی و... را در کنار هم و به اسم حقوق شهروندی چینش کرده‌اند. حقوق شهروندی در حوزه شهرنشینی و در حوزه تعاملات اجتماعی متفاوت از آن چیزی است که در قانون اساسی آمده است که حقوق مسلم فردی است که بخشی از حقوق شهروندی را شامل می‌شود. مثل آزادی. مثلا درباره حقوق زنان گفته است نحوه پوشش با حفظ موازین شرعی. نحوه پوشش براساس منشور حقوق زنان که اختلاف نظر دارم. هرچند روزنامه‌نگاری الکترونیک وجود دارد اما چون در برخی مناطق کشور ما دسترسی به اینترنت وجود ندارد باز هم این روزنامه‌ها هستند که همچنان مخاطب دارند. البته این بحث در این گفت‌وگو نمی‌گنجد...

ماندگاری در نوشتار است. یعنی این نوشتار است که می‌تواند ماندگار شود، آرشیو شود و باقی بماند. منظور من شرایط جامعه است که به گونه‌ای رقم خورده که اکنون اکثر جوان‌های ما از طریق فضای مجازی گفت‌وگو می‌کنند و کسی روزنامه نمی‌خواند.

در نکته‌هایی که اشاره کردید به نظر می‌رسد در هر زمینه‌ای مانعی وجود دارد که کار خودش را انجام می‌دهد. فکر نمی‌کنید که دلیل تمامی این اتفاق‌ها این باشد که قدرت اجرایی پراکنده شده. شما این موضوع را قبول دارید که با توجه به این پراکندگی دولت چندان هم در تصمیم‌گیری‌ها مقصر نباشد؟

من این را از این زاویه قبول دارم که دولت قدر دارد تا آهسته‌آهسته جایگاه خودش را تقویت کند تا به تدریج به جایگاه‌های دیگر برسد. اما قانون به او اجازه می‌دهد که به راحتی از همه موانع عبور کند. برای نمونه در همین حوزه‌های فرهنگی اختلاف نظر وجود دارد در حالی که یک تصمیم درست می‌تواند رشدی را در آن ایجاد کند. مثال دیگر شورایعالی انقلاب فرهنگی است که حتما باید بازسازی شود و خانم‌هایی که در آنجا حضور دارند تعدادشان افزایش پیدا کند یا ترکیب‌شان عوض شود. اینها همگی موارد فرهنگی است که باید رویش کار شود. این بی‌تصمیمی‌ها منتج به این شده است تا احساس شود نوعی به‌هم‌ریختگی در شیوه کاری دولت وجود دارد در حالی که ممکن است اینگونه نباشد زیرا همه این افراد سابقه مدیریتی طولانی داشته‌اند. منتها اکنون شرایط خاص است و باید صبر کرد تا به شرایط بهتری برسیم.

فکر می‌کنید چرا افراطیون همچنان به دولت آقای روحانی فشار می‌آورند؟ به هر حال دولت آقای روحانی خیلی با دولت آقای خاتمی متفاوت است.

آنها می‌گویند آقای روحانی نماینده گفتار و افکار ماست. در حالی که گفتمان آقای روحانی گفتمان اصلاح‌طلبی بود و در برنامه‌هایی که ارایه دادند این موضوع به خوبی دیده می‌شود. افراطیون قصد دارند تا نتیجه انتخابات را مصادره به مطلوب کنند تا از این محمل جایگاه خود را به انبات برسانند ضمن اینکه از طرفی دیگر فرار از واژه اعتدال سوءاستفاده می‌کنند تا خواسته‌های خود را به سرانجام برسانند.

دیرباره مسایل حقوق شهروندی که رییس‌جمهور اخیرا به آن اشاره کرد: که تهیه شده است - هرچند به نظر می‌رسد مجموعه این منشور جکیده‌ای از قوانین موجود باشد اما به طور کلی - فکر می‌کنید در صورت تدوین نهایی، ضمانت اجرایی برای آن وجود دارد یا خیر؟

طبیعی است که آنها مخالفان رییس‌جمهور و هر گونه تغییر فضایی هستند و هدفشان این است که فضا را در همان حالت بدون تغییر حفظ کنند و برای خود منافع ویژه‌ای داشته باشند. اما در اقدامات رسانه‌ای که در اختیار دارند، استفاده می‌کنند. دولت باید نگاه مدیرانه‌ای به آنها داشته باشد و بداند آنهایی که چنین رفتار می‌کنند، رفتارشان تعیین‌کننده نیست و نمی‌توانند جلو تغییر فضا را بگیرند. اینها در بهترین حالت شاید فقط بتوانند فشری از مردم را تحریک کرده و با رفتارشان جنجال‌سازی کنند اما در کل کانون‌ها و نقطه‌های تصمیم‌گیری در نظام، توجهی به این تندروی‌ها و افراط‌گری‌ها ندارد. طبیعتا اگر روحانی بتواند بازی را در سطح کلان‌تری پیگیری کند، می‌تواند تندروها را وه خود بزند و به اهداف خود برسد.

دولت فعلی است و احتمالا در انتخابی اینچنینی، گریزی نبوده. انتقاد شما به کدام بخش است؟

من این را می‌دانم اما منظورم این است که نیمی از نگاه کسی که در این وزارتخانه وزیر می‌شود باید به حوزه خودش باشد یعنی تمرکزش فقط روی وزرش نباشد. الان می‌بینیم که جوانان را تنها در وزرش دیده‌اند در حالی که شغل، مسکن، تحصیلات و ازدواج مشکل‌ترین مسایل که جوانان با آن مواجه هستند اما مناسفانه مرجعی برای رسیدگی به آنها وجود ندارد.

آقای یونسی مشاور رییس‌جمهور در امور اقتصادی قوهی و مذهبی اخیرا در گفت‌وگویی به این نکته اشاره کردند که آقای روحانی نتوانسته در کابینه از وزرا قابلیت‌ها استفاده کنند. شما فکر می‌کنید چرا این اتفاق افتاده است؟

من فکر می‌کنم که آقای روحانی می‌تواند در حد فرماندار، بخشدار و مدیران کل استانی هم رعایت بحث قومیت‌ها و هم رعایت بحث مذهب را داشته باشد یعنی این حساسیت‌ها را بزداید که این می‌تواند این بحث را به سرانجاه تعلق خاطر اقوام به حاکمیت پایین است، تا حدودی جبران کند.

در حوزه اخیرا عملکرد آقای روحانی را چگونه می‌بینید؟

در این مورد هم به نظر من، احزاب خودشان باید فعال شوند تا اینکه کسی آنها را وادار به فعالیت کند. به نظر من آنها هم دارند خودشان را بازخوانی و بازسازی می‌کنند و همایش‌هایشان را ترتیب داده‌اند.

احزاب خودشان باید فعال شوند تا اینکه کسی آنها را وادار به فعالیت کند. به نظر من آنها هم دارند خودشان را بازخوانی و بازسازی می‌کنند و همایش‌هایشان را ترتیب داده‌اند. انتظارشان هم از دولت این است که برای فعالیت‌هایشان موانع رفع شود

موضوع ارتباطات، صدوسیما هم یک وجه قضیه است فضاوت‌هایش یک‌جانبه است. اطلاع‌رسانی‌اش یک‌جانبه است. پوشش خبری‌اش هم همین‌طور و مناسفانه در این شرایط انتظار دارند که مردم به رسانه‌های دیگر گرایش نیابند.

البته من مقوله مطبوعات و جایگزینی آن با فضای مجازی با شما موافقم. دولت باید فعال شود تا اینکه کسی آنها را وادار به فعالیت کند. به نظر من آنها هم دارند خودشان را بازخوانی و بازسازی می‌کنند و همایش‌هایشان را ترتیب داده‌اند. انتظارشان هم از دولت این است که برای فعالیت‌هایشان موانع رفع شود. در مجموع فکر می‌کنم که بعد از هشت سال، خنده به لب احزاب برگشته است و آن شرایط قبلی در حال حاضر برایشان وجود ندارد. فکر می‌کنم با وجود اینکه آقای روحانی می‌گوید که فردی حزبی نیست، اما احزاب در این مملکت وضع خوبی دارند. از طرفی در قانون اساسی به صراحت بیان شده است که دولت باید از احزاب حمایت کند و از سوی دیگر دولت هم اعتقاد دارد که باید کار را از طریق قانون پیش ببرد بنابراین در مجموعه به نظر می‌رسد که احزاب در این دوره وضع خوبی دارند.

در حوزه مطبوعات و دانشگاه عملکرد ایشان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

رویکرد برخی دولتمردان نسبت به دانشگاه به گونه‌ای است که ترجیح می‌دهند فضای فعالیت و نقد در دانشگاه سیاسی و چندان فراخ نباشد و رونق فضای فرهنگی، اجتماعی و پخته‌گی در دانشگاه‌ها را لوالیت می‌دانند تا نقد سیاسی برنرنگ نباشد. این وضعیت به معنایی، ادامه همان رویکرد است که در دوران خاتمی‌نژاد شکل گرفت یعنی برنرنگشدن تشکل‌ها و صنف‌هایی که به دنبال منافع تخصصی خودشان هستند را به مصلحت می‌دانند. واقعیت این است که اگر دانشگاه و دانشجو سیاسی نباشند در این صورت نمی‌توانند نقاد خوبی باشند و در شکل‌گیری فرهنگ عمومی جامعه در جهت انتقادپذیری حرکتی جدی انجام دهند و در این شرایط نمی‌توان از دانشگاهیان انتظار داشت که به فکر اصلاح امور جامعه باشند. دانشجو تنها زمانی می‌تواند این کار را انجام دهد که رویکردی سیاسی داشته باشد. البته رویکرد اسیاسی‌داشتن با رویکرد «حزبی» داشتن متفاوت است. شاید دولت کنونی هم بیشتر بر روی همین موضوع تاکید دارد. به هر ترتیب این یک روش و رویکرد است که می‌تواند در مقاطعی جواب دهد و باعث شود که جوان‌های ما از این معبر عبور و خودشان را سیاسی کنند. در این میان باید زمینه برای احیای انجمن‌های اسلامی که قدمت دیرینه دارد هم فراهم شود. متاسفانه در همین ۱۶آذر شاهد بودیم، زمانی که انجمنی که سابقه‌ای از زمان مرحوم بازرگان داشته است و آنها بنیانگذار آن بودند و تا به امروز توانسته است روی پای خودش بایستد، جلسه‌ای برگزار می‌کند، صداوسیما هیچ پوششی نمی‌دهد و حتی خبر آن را هم منتشر نمی‌کند اما خبر جلسه کسانی که به اسم تشکلی دیگر آمدند و در دانشگده فنی در سالن شهیدچمران، آن مراسم را برگزار کردند پوشش می‌دهد. این مطلوب نیست و درواقع باعث ایجاد دلسردی می‌شود. فکر می‌کنم اگر ریاست دانشگاه منطقی عمل می‌کرد و همان کاری که در دانشگاه شهیدبهشتی انجام شد که دو طیف در کنار هم قرار گرفتند را صورت می‌داد، بهتر بود. در حوزه مطبوعات هم من فکر می‌کنم که چون مقداری فضای مجازی داد جایگزین روزنامه می‌شود مردم کمتر به آن روی می‌آورند بنابراین پرداختن به روزنامه‌ها و تکثر و افزایش آنها خیلی خوب نمی‌دهد اما رفع محدودیت از بعضی از آنها و شکل‌گیری هیات منصفه‌ای که بتواند برای آنها قضاوت عادلانه داشته باشد انتظاری است که از دولت رویکرد می‌رود.

الان دغدغه مطبوعات به آن شکل وجود ندارد و بیشتر نگاه‌ها به سمت فضای مجازی است که مناسفانه یکی می‌گوید قانونی است و دیگری می‌گوید قانونی نیست. از سوی دیگر می‌بینیم که مردم ما در فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی دیگر حضور دارند. این شرایط خوب نیست. به نظر من بحث را تنها به مطبوعات محدود نکنیم. در

ادامه از صفحه اول

واشکافی رخدادهای سازمان تامین اجتماعی

ادامه از صفحه ۷

سهم مطبوعات از ۱۰۰روز دولت جدید

گفت‌وگو با دبیر اتلاف فراگیر اصولگرایان

هدف تندروها، تداوم فضای سیاسی قبل از انتخابات است

طیبه میرحسینی

انتخابات مجلس هشتم، فرصتی بود تا اصولگرایانی که در داخل و بیرون از مجلس هفتم، امتیازدادن‌های عجیب به دولت اصولگرای احمدی‌نژاد را برنمی‌تابیدند، همصدا شوند. آنان زیر تابلوی «اتلاف فراگیر اصولگرایان» فعال شدند و اگرچه به سبب فشار جریانات اصولگرای پرشمار حامی رییس دولت نهم، شناسایی برای ورود به مجلس نیافتند اما، تک‌صدایی در جریان خود را خاتمه دادند و به‌مانند ائتلاف‌طیان، باب نقد دولت را گشودند. به نظر می‌رسد دولت تدبیر و امید از حیث برخی شباهت‌ها، گفتمان این دسته از اصولگرایان را نیز نمایندگی می‌کند. علی دورانی، از اصولگرایان منتقد احمدی‌نژاد که دبیر آن ائتلاف در انتخابات مجلس هشتم بود در گفت‌وگو با «شرق»، پیرامون انتظارات از روحانی و دولتی وی در حوزه عملکرد سیاست داخلی، سخن گفت که در ادامه می‌آید.

پس از ارایه گزارش صدروزه از سوی دکتر روحانی، انتقادات از سوی برخی جریانات مطرح شد؛ مبنی بر اینکه هیچ پیشرفت و پیشبردی در سیاست داخلی ایران در گزارش صدروزه اول دولت یازدهم ارایه نشد. با توجه به این مسأله، به نظر شما آیا دولت یازدهم واقعا در سه‌ماهه نخست فعالیت خود، هیچ پیشبردی در حوزه داخلی نداشته است؟

من از دولت آقای دکتر روحانی انتظار زیادی ندارم. انتخابات در بستر انتخاباتی رییس‌جمهور شدند که همانند دوره‌های گذشته، سیاست‌زدگی جای سیاسی‌بودن انتخابات را گرفته بود و در این فضا که هنوز نیز باقی است، انجام اصلاحات داخلی برای کسی که به قدرت رسیده، چندان مقدور نیست. چرا که «حامیان رییس‌جمهور» از هر دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب توقعات و انتظاراتی دارند و دکتر روحانی را در حالی و از کلام و نحوه فعالیتشان بازدیدی انجام دهیم. در حالی که در زمان دولت احمدی‌نژاد، آن انجمن بارها درخواست کرده بود که می‌خواهد مجمع عمومی برگزار کند و شما نماینده خود را بفرستید که طبق قانون باید مجمع عمومی در حضور نماینده وزارت کشور باشد، اما آنها نیامدند. یعنی آن انجمن بیگیری می‌کند که چه اتفاقی افتاده است، با بیگیری ماجرا، کاشف به عمل می‌آید که کار نظارت بر انجمن‌های غیردولتی در زمان احمدی‌نژاد به موسسای خصوصی واگذار شده است یعنی نیروهایی خارج از وزارت کشور هستند که کار نظارت بر انجمن‌ها را بر عهده داشتند. همه اینها باعث می‌شود که نگاه‌ها محتاطانه شود و انجمن‌ها ترجیح دهند که فعلا کاری انجام ندهند.

مگر می‌شود؟ آیا این موضوع از لحاظ قانونی مشکلی ندارد؟

به‌لحاظ قانونی هیچ مشکلی ندارد زیرا در قانون اساسی تصریح شده است که چه کسانی می‌توانند کار نظارتی انجام دهند.

کار در حوزه زنان، بحث وزارت زنان در روند امور قرار گرفتند موجه شدند که نمی‌توان این کار را انجام داد؟

چه در دوره اصلاحات و چه در دوره احمدی‌نژاد سروکار آقای روحانی با زنان بیشتر بوده است یعنی چه در شورایعالی امنیت ملی و چه در مرکز تحقیقات استراتیژیک خاصی در آنجا نمی‌بینیم که به‌راحتی می‌خواهیم از کار شما و نحوه فعالیتتان بازدیدی انجام دهیم. در حالی که در زمان دولت احمدی‌نژاد، آن انجمن بارها درخواست کرده بود که می‌خواهد مجمع عمومی برگزار کند و شما نماینده خود را بفرستید که طبق قانون باید مجمع عمومی در حضور نماینده وزارت کشور باشد، اما آنها نیامدند. یعنی آن انجمن بیگیری می‌کند که چه اتفاقی افتاده است، با بیگیری ماجرا، کاشف به عمل می‌آید که کار نظارت بر انجمن‌های غیردولتی در زمان احمدی‌نژاد به موسسای خصوصی واگذار شده است یعنی نیروهایی خارج از وزارت کشور هستند که کار نظارت بر انجمن‌ها را بر عهده داشتند. همه اینها باعث می‌شود که نگاه‌ها محتاطانه شود و انجمن‌ها ترجیح دهند که فعلا کاری انجام ندهند.

مگر می‌شود؟ آیا این موضوع از لحاظ قانونی مشکلی ندارد؟

به‌لحاظ قانونی هیچ مشکلی ندارد زیرا در قانون اساسی تصریح شده است که چه کسانی می‌توانند کار نظارتی انجام دهند.

کار در حوزه زنان، بحث وزارت زنان در شعارها مطرح بود. اما عملا این اتفاق نیفتاد. شما فکر می‌کنید که این تصمیم، خواست آقای روحانی بوده یا قوتی ایشان در روند امور قرار گرفتند موجه شدند که نمی‌توان این کار را انجام داد؟

در حالی که در عملکرد سه‌ماهه دولت خود گزارش ارایه داد که این بازه زمانی برای ارایه گزارش از سوی دولت یازدهم که کشور را با شرایط نامناسب اقتصادی و درصد بالای تورم و بیکاری از دولت بعد تحویل گرفته است. کار درستی نبود. بنابراین انتظار اینکه یک دولت در چهارفیلی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حیوری اسلامی ایران در صدر دولت بتواند کار خاصی انجام دهد و گوهای بزرگی را باز کند، غیرمعقول است.

نگفتید در سیاست داخلی، نگاه شما در مورد عملکرد دولت چیست؟

اینکه گفته شود آقای دکتر روحانی در حوزه سیاست داخلی عملکرد مثبتی نداشته، ادعای درستی نیست، ایشان از همان ابتدا بیشتر به مسایل سیاست خارجی پرداختند و در کنار آن سعی کردند که یک شناختی از وضعیت داخلی داخل اقتصاد ایران و مشکلات پیش‌رو پیدا کنند. درواقع هنوز در حال تعیین حدود کارشان هستند و تا شناخت درست و در فرصت زمانی کافی این مسایل را نیز حل‌وفصل کنند. آن چیزی که دکتر روحانی قول آن را داده بود، مساله سیاست خارجی با محوریت پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌های غرب بود که در این زمینه وزیر خارجه و تیم مذاکره‌کننده نهایت تلاش خود را کردند و امیدواریم که اتمامه روند مذاکرات با طرف مقابل به پیروزی نسبی منجر شود.

با توجه به شکل مستقیم دخیل نبودن اما عموما تشکل‌ها نیاز به مجرد داردو در این مجور هم توسط نهادهای وابسته به دولت صادر می‌شود.

بله اما این درخواست‌ها باید بیاید تا تایید شوند.

سوال من این است که به طور مشخص دولت آقای روحانی چه راهکاری می‌تواند اتخاذ کند تا تشکل‌هایی که به هر دلیل لغو مجوز شده‌اند دوباره فعال شوند؟ به مجرد بحث احساس امنیت، می‌تواند چه کمک دیگری در جهت بهبود فضا کند؟

صور مجوز برای تشکیل یک تشکل گامی اصلی است اما قبل از این کار هم نکته‌ای است که عرض کردم و آن احساس امنیت است. یعنی آقای روحانی باید برای اتحادی که می‌خواهد در این حوزه کار کند، امنیت را تامین کند. برای تشکل‌های زنان و کارگری و... می‌توانند شناسنامه کاری اختصاص دهد. در قوانین و مقررات ما بین شناسنامه باید از طریق وزارت کشور صادر شود در حالی که هنوز مسیر مربوط به بخش صدور مجوز تشکل‌های صنفی و مدیران سابق است یعنی قاعدتا این با تلقی رافرقتی‌ها و باحتیاط عمل‌کردن‌ها همگی حامل همان رفتاری است که مدیر سابق دارد. لحظه می‌دهد. نمونه‌ای را مثال می‌زنم. چند پیش از وزارت کشور با انجمنی تماس می‌گیرند که پس می‌گردد احساس امنیت است یعنی اگر من نوعی، به‌عنوان انجمن صنفی می‌خواهم کارم را رافدارای کنم احساس امنیت را داشته باشم که به من انتهاهای مختلف نمی‌زنند. اگر این اطمینان وجود داشته باشد من برای تشکیل آن انجمن صنفی حرکت خواهم کرد و این در همه سطوح صادق خواهد بود. چه در انجمن‌های مربوط به زنان و کارگران

بحث نهادهای صنفی، آن‌جوابه‌ا در حوزه‌های زنان و کارگران مطرح شد و همچنین درباره انجمن‌های صنفی مشخص مثل روزنامه‌نگاران و کارگران وعده‌هایی داده شد. فکر می‌کنید تا الان چندرصد از این وعده‌ها محقق و احیانا چه موانعی بر سر عملی‌شدن آنها وجود دارد؟

البته من نه در شکل‌گیری و نه در عدم‌شکل‌گیری تشکل‌های صنفی، دولت را دخیل نمی‌بینم بلکه این مجموعه‌ای است که باید حرکت کند و آنها را رافدارای کند. اما آن چیزی که به دولت می‌گویم این است که کشور ما در حال توسعه و به تعبیری در حال گذار است و دولت نه تنها باید متکفل اداره امور جاری باشد بلکه باید برای آینده میل‌مدت و بلندمدت نیز برنامه‌ریزی جامع و راهبردی داشته باشد و بالطبع نمی‌تواند صرفا از فرصت‌ها دگیر طرح‌های به اصطلاح ویژه‌دارد که با این انگیزه و بهانه که